

The Behavioral Traits of a Leader from the Qur'anic Perspective (Focusing on Prophet Moses' Behavioral Traits)

Mohammad Hossein Sheikhi Aliabad  / PhD Student of Management, the Imam Khomeini Institute for Education and Research
shikhi.mh@gmail.com

Received: 2025/02/16 - Accepted: 2025/03/15

Abstract

The presence of competent leaders, both in terms of personality and behavioral traits, is a key factor in the material and spiritual progress of a society. Inspirational leadership, marked by intellectual and personal competence and constructive behaviors, influences followers and drives them toward lofty goals. Behavioral theorists have studied leaders' behaviors and have observed various leadership styles, deeming some more effective than others. Using a descriptive-analytical method, this research examines the Qur'anic verses addressing the behavioral traits of Prophet Moses (peace be upon him) in leadership. The research findings derived from the Qur'anic verses reveal Prophet Moses's behavioral traits as follows: monotheism, decisiveness against violations, dutifulness, endurance of hardships, patience, compassion in dealing with affairs, standing against oppression, humility, and benevolence.

Keywords: behavior, behavioral traits, leadership style.

ویژگی‌های رفتاری رهبر از منظر قرآن (با تأکید بر ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام)

shikhi.mh@gmail.com

محمدحسین شیخی علی‌آباد  / دکتری مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۸ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

چکیده

یکی از متغیرهای تأثیرگذار در پیشرفت مادی و معنوی جامعه وجود رهبران شایسته، هم به لحاظ ویژگی‌های شخصیتی و هم به لحاظ ویژگی‌های رفتاری است. رهبری هدایت‌بخش با توانمندی فکری و شخصیتی و رفتارهای سازنده‌ای که از خود نمایان می‌سازد، در پیروان خود نفوذ می‌کند و آنان را به سوی اهداف متعالی به حرکت وامی‌دارد. نظریه‌پردازان رفتارگرا رفتارهای رهبران را مطالعه و سبک‌های رفتاری گوناگون را مشاهده کرده‌اند. آنان برخی از سبک‌های رفتاری را کارآمدتر از سایر سبک‌ها می‌دانند و آن را عامل مهمی در موفقیت رهبری قلمداد می‌کنند. این تحقیق با روش توصیفی - تحلیلی آیات قرآن ناظر به ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام در رهبری را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق مستفاد از آیات قرآن کریم نشان می‌دهد که ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام بدین شرح است: یکتاپرستی، قاطعیت در برابر تخلفات، وظیفه‌شناسی، تحمل سختی‌ها، صبر، رحمت و محبت در اداره امور، ظلم‌ستیزی، تواضع و نیکوکاری.

کلیدواژه‌ها: رفتار، ویژگی‌های رفتاری، سبک رهبری.

«رهبری» به معنای فراگرد نفوذ اجتماعی است که در آن، رهبر مشارکت داوطلبانه کارکنان را در تلاش برای کسب هدف‌های سازمان طلب می‌کند. پرسشی که در زمینه رهبری مطرح می‌شود، این است که آیا رهبری باید با اعمال زور باشد یا خیر؟ شواهد تحقیقی بیانگر این است که رهبری اثربخش، هم با عملکرد بهتر و هم اخلاقی‌تر همراه است. اهمیت این بحث از آنجاست که پرورش رهبران شایسته و اثربخش و نیز شناسایی آنان در جامعه در گرو روشن شدن پاسخ این پرسش است (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۳۷۵). نظریه پردازان رفتار رهبری، به جای تمرکز بر ویژگی‌های شخصیتی رهبر به عنوان عامل مؤثر بر موفقیت و اثربخشی رهبر، محور مطالعات خود را بر روی رفتارهای رهبران قرار داده‌اند. آنان رفتارهای رهبران در صحنه عمل را مورد بررسی و مشاهده قرار می‌دهند و سبک‌های رفتاری گوناگونی را فهرست کرده‌اند. آنان بر این باورند که ویژگی‌های شخصیتی، هرچند مهم‌اند، صرفاً پیش‌شرطی برای رهبری به‌شمار می‌آیند. بنابراین الگوهای رفتاری رهبر و سبک شناختی او نیز اهمیت دارد و لازم است در بررسی عوامل اثربخشی و موفقیت مدیریت مورد مطالعه قرار گیرند؛ زیرا صفات مشخصه، در رفتار بروز و نمود پیدا می‌کند و سرانجام، افراد رهبران را بر اساس رفتارهایشان ارزیابی می‌کنند و تصمیم به پیروی از آنان می‌گیرند (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۳۸۰-۳۸۱). در یکی از مطالعات مربوط به نظریه‌های رفتار رهبری، رهبران به دو دسته خدمتگزار (انسان‌گرا) و تحول‌گرا (سازمان‌گرا) تقسیم‌بندی می‌شوند. رهبران خدمتگزار به اعضای سازمان توجه دارند و هدف‌گذاری جمعی را ترویج می‌کنند و رهبران تحول‌گرا اهداف و مأموریت‌های سازمان را مقدم می‌شمارند (چابکی و دیگران، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳-۱۶۴). رهبران تحول‌گرا، در واقع به جای توجه به کارکنان به کار اهتمام می‌ورزند. آنان کار را تعریف و چگونگی انجام آن را مشخص می‌کنند؛ مسئولیت هریک از افراد را برای کار معین بیان می‌نمایند؛ انجام و اتمام کار را مورد تأکید قرار می‌دهند و نتایج عملکرد را پیگیری می‌کنند. رهبران خدمتگزار بدین روش عمل می‌کنند؛ با افراد، گرم و حمایتی برخورد می‌نمایند؛ ارتباطات اجتماعی راغبانه برقرار می‌کنند؛ به احساسات دیگران احترام می‌گذارند؛ نسبت به نیازهای کارکنان حساسیت نشان می‌دهند و به کارکنان اعتماد می‌کنند (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۳۸۱).

بررسی و مطالعه رفتار رهبران الهی به چند دلیل حائز اهمیت است: نخست اینکه آنان مسئولیت سنگین هدایت جامعه را بر عهده دارند و در صورتی در انجام این مأموریت موفق خواهند شد که متصف به ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری شایسته باشند. در غیر این صورت، پیروان آنان هیچ تعهد و الزامی به عمل کردن به دستورهایشان را نخواهند داشت. دیگر اینکه تربیت رهبران و مدیران شایسته و شناسایی آنان برای تصدی اداره امور در سازمان‌ها و نهادهای کشوری و لشگری مستلزم شناخت سیره رفتاری رهبران الهی در قرآن است تا با الگوبرداری از آن بتوان اقدام اساسی در تحول نظام اداری و مدیریتی جامعه اسلامی را بنا نهاد. خداوند برای رشد و تعالی حیات مادی و معنوی انسان پیامبران را از میان برترین انسان‌ها انتخاب کرد و آنان را الگو قرار داد

تا مردم ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آنان را مشاهده کنند و در زندگی سرلوحه عمل خود قرار دهند. بنابراین رفتار پیامبران الهی در حوزه‌های مختلف فردی، سازمانی و اجتماعی را که برگرفته از سرچشمه وحی است، می‌توان عاملی اساسی و تعیین‌کننده در شکل‌گیری جامعه اسلامی متخلق به فضایل اخلاقی و انسانی دانست. قرآن کریم با توصیف ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان یک رهبر الهی، از آن به‌منزله یک متغیر تأثیرگذار در هدایت مردم از ضلالت و گمراهی به رشد و تعالی یاد می‌کند. تحقیق پیش رو تلاش خواهد کرد که با روش توصیفی - تحلیلی آیات قرآن کریم این ویژگی‌ها را تبیین کند. با توصیفی که گذشت، سؤال اصلی تحقیق این است: ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام به‌عنوان یک رهبر الهی از منظر قرآن چیست؟ همچنین می‌توان سؤالات فرعی را ذیل عنوان سؤال اصلی بدین شرح تدوین کرد: الف) سبک رفتاری حضرت موسی علیه السلام در برابر تخلفات چیست؟ ب) سبک رفتاری حضرت موسی علیه السلام در برابر سختی‌ها چیست؟ ج) سبک رفتاری حضرت موسی علیه السلام در تعامل با مردم چگونه است؟

اهداف تحقیق

اهداف تحقیق را می‌توان در چند محور زیر بیان کرد:

- تبیین ویژگی‌های رفتاری رهبر جامعه از منظر قرآن کریم به‌منظور الگوبرداری از آن در جهت شناسایی و پرورش رهبران کارآمد و اثربخش برای آینده جامعه اسلامی و جهان اسلام.
- تبیین ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام از منظر قرآن کریم.
- آشنا کردن اساتید و دانشجویان با مدیریت اسلامی و ویژگی‌های رهبر در قرآن.
- بسترسازی نظریه‌پردازی در حوزه‌های علوم انسانی اسلامی، به‌ویژه در حوزه‌های علوم مدیریت، علوم سیاسی و سایر رشته‌های علوم انسانی با گرایش قرآن.

ضرورت تحقیق

با شکل‌گیری انقلاب اسلامی در ایران دو مسئله اساسی در نظام علمی و اداری کشور وجود داشت. در نظام علمی و دانشگاهی به دلیل نبود منابع اسلامی در حوزه مدیریت و رهبری و سایر گرایش‌های علمی، همان نظریه‌های صاحب‌نظران غربی تدریس می‌شد. بنابراین لازم بود که یک تلاش تحقیقاتی در موضوعات علمی زیر نظر اندیشمندان و مجتهدین اسلامی که اشراف کامل بر مبانی و منابع اسلامی داشتند، انجام شود. نظام اداری و حکومتی نیز نیازمند مدیران و رهبرانی کارآمد و اثربخش بود که با مبانی و احکام اسلام آشنا باشند و بتوانند کشور را بر اساس اندیشه‌های اسلامی اداره کنند. تحقق این امر نیز مستلزم وجود تحقیق و پژوهش‌های اسلامی در حوزه مدیریت و رهبری است تا بتوان بر اساس آن معیارها به تربیت و شناسایی رهبران شایسته نظام اسلامی اقدام کرد. بنابراین می‌توان گفت که انجام این تحقیق از دو جهت ضروری است و دو کاربرد دارد: نخست به‌عنوان یک منبع علمی برای تدریس در دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی؛ دوم به‌عنوان منبعی برای تربیت مدیرانی کارآمد و شایسته.

پیشینه تحقیق

در خصوص ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام تحقیقی با این عنوان یافت نشد؛ ولی برخی از نویسندگان ضمن عنوان ویژگی‌های پیامبران، یک یا چند صفت رفتاری حضرت موسی علیه السلام را نیز مطرح کرده‌اند. بدین منظور برای انجام تحقیق، از پیشینه‌های عام استفاده شده است. برای نمونه، در تحقیقی با همین عنوان به دو ویژگی رفتاری حضرت موسی علیه السلام اشاره شده است: ۱. صبر و استقامت در برابر مشکلات؛ ۲. صراحت و قاطعیت (سبحانی، ۱۳۸۵).

۱. ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام

هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان و اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و عقلی باشد، «رفتار» خوانده می‌شود. این اصطلاح برای هر عمل خاص یا مجموعه اعمال به کار می‌رود (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴، ص ۵۴). بنابراین رفتار به معنای یک رشته فعالیت است. انسان همواره در حال انجام کاری است؛ مانند قدم زدن، صحبت کردن، کار کردن، خوردن و خوابیدن و... انسان در بیشتر موارد در آن واحد بیش از یک فعالیت انجام می‌دهد. انگیزه‌ها، عوامل رفتار هستند. آنها موجب آغاز و ادامه فعالیت می‌شوند و جهت کلی رفتار هر فرد را معین می‌سازند. انگیزه‌ها را گاهی به نیازها، تمایلات، سائقه‌ها یا محرکات درونی فرد تعریف می‌کنند. رفتار انسان در هر لحظه معین تحت تأثیر نیازهای متعددی برانگیخته می‌شود. نیازی که شدیدتر است، موجب فعالیت می‌گردد. وقتی نیاز شدید قدری ارضا شد، از شدت آن کاسته می‌شود و این نیاز در چنین حالتی طبعاً محرک رفتار فرد نخواهد بود (رضائیان، ۱۳۸۴، ص ۵۴). با این وصف، اکنون ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی علیه السلام بیان می‌شود: چهارچوب و مدل این ویژگی‌های رفتاری و تعداد آنها بر اساس آیاتی از قرآن کریم است که ناظر به سیره رفتاری حضرت موسی علیه السلام می‌باشد.

۱-۱. یکتاپرستی

ایمان به پروردگار یکتا تنها زمانی حاصل می‌شود که رهبر الهی در عمل نیز پابندی خود را به وحدانیت خدا نشان دهد. طبیعت انسان به گونه‌ای است که وقتی به قدرت برسد و در رفاه و آسایش قرار گیرد، خدا را فراموش می‌کند و چنانچه گرفتار وقایع و پیشامدهای ناگوار و سخت شود، زبان به شکایت می‌گشاید و ایمانش ضعیف می‌شود؛ درحالی که رهبران الهی در همه شرایط سخت و دشوار و رفاه و آسایش به یاد خدا هستند و لحظه‌ای او را فراموش نمی‌کنند. آنان سختی‌ها و بلاها را آزمون الهی می‌بینند که نقش مؤثری در تربیت و رشد معنوی آنان خواهد داشت. این حوادث نه تنها ایمانشان را به وحدانیت خدا تضعیف نخواهد کرد، بلکه زمینه رشد فکری و معنوی آنان را فراهم خواهد ساخت. این ویژگی رهبر در قول و عمل، تأثیر شگرفی در رشد و تحول فکری و رفتاری پیروان خواهد داشت. حضرت موسی علیه السلام نه تنها پیروان خود را به توحید دعوت می‌کند: «إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا» (طه: ۹۸)؛ معبود شما فقط خدای یکتاست که جز او معبودی نیست، دانش او همه چیز را فراگرفته است، بلکه در شرایط

سخت نیز ضمن اینکه از خدا یاری می‌طلبید، پیروانش را نیز دعوت می‌کند تا در سختی‌ها تنها از او یاری جویند: «قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (اعراف: ۱۲۸)؛ موسی به قومش گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی ورزید. یقیناً زمین در سیطره مالکیت و فرمانروایی خداست. آن را به هر کس از بندگان که بخواهد، می‌بخشد؛ و سرانجام نیک برای پرهیزگاران است.

۱-۲. قاطعیت در برابر تخلفات

قرآن کریم مسامحه و سازش در اصول و مبانی اعتقادی را به‌شدت مورد نکوهش قرار می‌دهد و از آن نهی می‌کند. خدای حکیم پیامبر گرامی اسلام ﷺ را از سازش و مدهانه با کفار و مشرکان نهی کرده است: «وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخَذُوكَ خَلِيلاً» (اسراء: ۷۳)؛ و نزدیک بود که تو را از آنچه به تو وحی کردیم، بلغزند تا غیر آن را از روی افترا به ما نسبت دهی؛ و در این صورت، تو را دوست خود می‌گرفتند. بنابراین هرگونه سستی و انفعال درباره دین و مبانی دینی، از منظر آموزه‌های قرآنی ممنوع است: «اتَّبِعْ مَا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (انعام: ۱۰۶)؛ از آنچه از سوی پروردگارت به تو وحی شده است، پیروی کن؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ و از مشرکان روی بگردان. پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز برای تنبیه متخلفان و کسانی که از شرکت در جنگ با رومیان سر باز زدند، با شدت و غضب برخورد کردند و به مسلمانان دستور دادند که هیچ‌کس با آنان سخن نگوید. آن حضرت متخلفان را در تنگنای شدید اجتماعی قرار دادند؛ به‌گونه‌ای که مجبور شدند شهر مدینه را ترک کنند و برای مدت طولانی به کوه‌های اطراف پناه ببرند. حضرت موسی ﷺ نیز با قاطعیت در برابر ستمگران و متجاوزان به حقوق مردم می‌ایستاد و از افراد مظلوم و ستم‌دیده حمایت می‌کرد و در این راه از هیچ تهدیدی نمی‌ترسید. حمایت او از یکی از بنی‌اسرائیل که مورد ظلم یکی از فرعونیان قرار گرفته بود، به کشته شدن فرد فرعونی انجامید:

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَةِ وَهَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتَعَاثَ الْاَلْذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الْاَلْذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَزَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ قَالَ هَذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ عَدُوٌّ مُضِلٌّ مُبِينٌ (قصص: ۱۵)؛

و [موسی] به شهر وارد شد، درحالی‌که اهل آن [در خانه‌ها استراحت می‌کردند و از آنچه در شهر می‌گذشت] بی‌خبر بودند. پس دو مرد را در آنجا یافت که با هم [به‌قصد نابودی یکدیگر] زدوخورد می‌کردند. این یک از پیروانش و آن دیگر از دشمنانش. آن‌که از پیروانش بود، از موسی بر ضد کسی که از دشمنانش بود، درخواست یاری کرد. پس موسی مشتبی به او زد و او را کشت. گفت: این [نزاع میان آن دو] از عمل شیطان است. قطعاً او گمراه‌کننده و دشمنی‌اش آشکار است.

این اقدام حضرت موسی ﷺ سبب شد که فرعون و اطرافیان حکم اعدام او را صادر کنند. این رفتار او یکی از مصادیق آشکار سازش‌ناپذیر بودن او در برابر متجاوزان و متخلفان را به تصویر می‌کشد. او پس از بازگشت از میعادگاه پروردگار و مشاهده روی آوردن پیروان خود (بنی‌اسرائیل) به گوساله‌پرستی، با شدت و عصبانیت با برادر خود هارون برخورد کرد و

درحالی‌که ریش و موی سرش را گرفته و به‌سوی خود می‌کشید، گفت: آیا از دستور من سرپیچی کردی؟! هارون که ناراحتی شدید برادر را دید، برای اینکه از عصبانیتش بکاهد و عذر موجه خویش را در این ماجرا بیان کند، گفت: فرزند مادرم! ریش و موی سر مرا مگیر. من فکر کردم که اگر به مبارزه برخیزم و درگیری پیدا کنم، تفرقه شدیدی در میان بنی‌اسرائیل می‌افتد و از این ترسیدم که تو به هنگام بازگشت بگویی: چرا در میان بنی‌اسرائیل تفرقه افکندی و سفارش مرا در غیابم به‌کار نبستی.

در پاسخ به این رفتار تند حضرت موسی علیه السلام با هارون، با اینکه هر دو پیامبر و معصوم از خطا بودند، چنین استدلال شده است: هدف حضرت موسی علیه السلام از این رفتار این بود که به بنی‌اسرائیل بفهماند که گناه بسیار بزرگی مرتکب شده‌اند و گوساله‌پرستی مسئله ساده و قابل‌گذشتی نیست؛ گناهی که حتی پای برادر موسی علیه السلام را که خود پیامبر بود و رهبری امت را بر عهده داشت، به محکمه کشانده است؛ آن‌هم با شدت عمل. پس آن‌طور که بنی‌اسرائیل پنداشته‌اند، انحراف از توحید و بازگشت به شرک، آن‌هم بعد از آن‌همه تعلیمات و دیدن آن‌همه معجزات و آثار عظمت حق، قابل قبول نیست و باید با قاطعیت هرچه بیشتر در برابر آن ایستاد. چه‌بسا هنگامی که حادثه عظیمی رخ می‌دهد، انسان یقنه خود را چاک می‌زند و بر سر و صورت خود می‌زند، چه رسد به اینکه برادرش را مورد عتاب و خطاب قرار دهد. بی‌گمان برای حفظ هدف و گذاشتن اثر روانی در افراد منحرف و نشان دادن عظمت گناه به آنها، این برنامه‌ها مؤثر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۲۸۴).

۱-۳. وظیفه‌شناسی

وظیفه‌شناسی مهم‌ترین تکلیف انسان در سراسر زندگی است. زندگی انسان در هر کجا و هر موقعیت، دو گام بنیادی دارد: ۱. شناخت وظیفه، ۲. عمل به وظیفه. بیشتر مشکلات زندگی انسان نتیجه کوتاهی درباره این دو گام اساسی است. گاهی در شناخت وظیفه کوتاهی می‌شود و گاهی در عمل به وظیفه. اگر این دو بیماری بزرگ علمی و عملی درمان شود، بشر با سعادت و سلامت در دو جهان زندگی می‌کند (مهدی‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳). این ویژگی باعث می‌شود که انسان در همه امور زندگی فردی، سازمانی و اجتماعی به دنبال انجام وظایف خود باشد. فرد هرگاه با امور متعدد در پیش روی خود مواجه گردد و مردد شود که کدام یک را انجام دهد، سعی می‌کند ببیند که در آن شرایط و اقتضائات، وظیفه او چیست و همان را در اولویت قرار می‌دهد. قرآن کریم در توصیف این ویژگی حضرت موسی علیه السلام بیان می‌کند: او از اینکه نتواند وظیفه خویش را انجام دهد و قبل از آن کشته شود، به شدت می‌ترسید: «قَالَ رَبَّنَا إِنَّا نَخَافُ أَنْ يُفْرَطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْعَنَى» (طه: ۴۵)؛ گفتند: پروردگارا! ما می‌ترسیم که [پیش از دعوت کردنش به حق] با سختگیری و شکنجه بر [ضد] ما پیشی گیرد یا بر سرکشی خود بیفزاید. از آنجاکه ترس از ساحت وجودی پیامبران الهی به دور است، تنها توجیهی که درباره این آیه می‌توان کرد، این است که ترس حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام از انجام این مأموریت الهی از این جهت بوده است که قبل از عمل به وظیفه خود مورد شکنجه و آزار و اذیت قرار گیرند و از انجام تکلیف بازمانند.

۱-۴. تحمل سختی‌ها

سنت الهی دربارهٔ انبیا و اولیایش این است که آنان را به گرفتاری‌ها و سختی‌های شدید مبتلا می‌کند تا از رهگذر آن، توانایی‌ها و شایستگی‌های لازم را برای پذیرش مسئولیت سنگین رهبری و هدایت کسب کنند و هنگامی که در این آزمون‌های سخت موفق شوند، آنان را الگو برای مردم قرار می‌دهد. بنابراین فلسفهٔ بسیاری از مشکلاتی که در مسیر حرکت انبیا و اولیای الهی پیش می‌آید، در جهت تربیت و رشد آنان است تا با انقطاع از اسباب و علل مادی، با تمام وجود به خدا روی آورند. در این هنگام است که مأموریت آنان ابلاغ می‌شود (عابدینی، ۱۳۹۹/۲/۲۰). قرآن کریم یکی از روش‌های الهی برای تربیت انبیا و اولیایش را مبتلا کردن آنان به انواع سختی‌ها بیان می‌کند:

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُ ۖ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَكَلَّمْنَا نِسَاءَ فُتَيْيَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ (طه: ۴۰)؛

آن‌گاه که خواهرت به‌سوی کاخ فرعون رفت و گفت: آیا شما را به کسی که از این نوزاد سرپرستی کند، راهنمایی کنم؟ پس تو را به مادرت برگرداندیم تا خوشحال و شاد شود و غم و غصه نخورد؛ و کسی [از فرعونیان] را کشتی و ما تو را از اندوه [و نگرانی بر ارتکاب قتل آن مشرک] نجات دادیم؛ و چنان که باید، امتحانات کردیم. پس از سالیانی در میان اهل مدین ماندی؛ سپس ای موسی! بر اساس تقدیر الهی [برای انتخاب شدن به مقام پیامبری، اینجا] آمدی.

حضرت موسی علیه السلام با حوادث سختی مواجه شد: نخست توطئهٔ درباریان برای به قتل رساندن وی، که موجب شد به مدت ده سال به سرزمین مدین مسافرت کند. او هجران دوری از پدر، مادر، خواهر، برادر و یارانش را به جان خرید و پس از گذشت ده سال، هنگامی که خبر درگذشت پدر و شهادت خواهرش را شنید و بیم آن داشت که مادر و برادرش هارون نیز توسط درباریان شناسایی شوند و به قتل برسند، مجبور شد در شرایطی بسیار سخت عزم سفر کند؛ درحالی‌که همسرش حامله و هوا نیز سرد بود، سفر را آغاز کرد؛ اما در تاریکی شب راه را گم کرد و سرگردان و مضطرب شد. در این هنگام که به اضطراب رسید و تمام راه‌ها را به روی خود بسته دید، با تمام وجودش به عالم غیب متوجه گشت و همین حالت وی باعث شد آتشی را ببیند که دیگران آن را نمی‌دیدند و او آگاه بود که این یک آتش عادی نیست؛ چراکه با دیدن آن، تمام وجودش آرامش پیدا می‌کرد. به همین دلیل به سمت آتش حرکت می‌کند تا وسیلهٔ گرمایش در آن شب سرد بیابد و هم به کمک آن، راه را پیدا کند (عابدینی، ۱۳۹۹/۲/۲۷). وقتی نزدیک شد، این ندا را شنید:

فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ يَا مُوسَىٰ ۖ إِنِّي أَنَا رَبُّكَ ۖ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ ۖ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى ۚ وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ ۚ لِمَا يُوحَىٰ (طه: ۱۱-۱۳)؛

پس چون به آن آتش رسید، ندا داده شد: ای موسی! به یقین این منم، پروردگار تو. پس کفش خود را از پایت بیفکن؛ زیرا تو در وادی مقدس طوی هستی. و من تو را [به پیامبری] برگزیدم؛ پس به آنچه وحی می‌شود، گوش فرادار.

۱-۵. صبر

«صبر» در لغت به معنای امساک است. راغب «امساک در تنگی» را صبر می‌داند. صبر به معنای خویشتن‌داری و حبس نفس است بر چیزی که شرع و عقل تقاضا می‌کند یا از چیزی که شرع و عقل از آن نهی می‌کند. این خویشتن‌داری بر اساس اختلاف موارد، فرق می‌کند: اگر خویشتن‌داری در مصیبت باشد، به آن «صبر» می‌گویند که مفهوم مخالف آن «جزع» است؛ اگر در جنگ باشد، به آن «شجاعت» می‌گویند و مفهوم مخالف آن «جبن» است و اگر در پیشامد باشد، آن را «سعه صدر» می‌گویند و در امساک از سخن، به آن «کتمان» می‌گویند. راغب می‌گوید: اگر امساک نفس در زیادی مال باشد، به آن «عفت و قناعت» می‌گویند. ماه رمضان نیز از آن جهت که نوعی حبس و منع نفس در آن است، ماه صبر خوانده شده است (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۰۵-۱۰۶). در تمام کتاب‌های آسمانی و گفتار همه پیامبران و اولیای خدا و امامان علیهم‌السلام، با تأکیده‌های فراوان، به صبر و استقامت سفارش شده است؛ به طوری که آن را عامل اصلی حل مشکلات، و ضد آن را موجب انحرافات و بدبختی‌های ویرانگر می‌دانند. در سایه داشتن ویژگی صبر و پایداری است که انسان می‌تواند در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی رشد و تکامل یابد و به اهداف خویش دسترسی پیدا کند. امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «الصبر الظفر» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۷۷)؛ صبر مساوی با پیروزی است. قرآن کریم در بیان علت رسیدن بعضی از بنی اسرائیل به مقام امامت و هدایت مردم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده: ۲۴)؛ و از آنان امامان (و پیشوایانی) قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کردند؛ چون شکیبایی نمودند و به آیات ما یقین داشتند. در این آیه، «صبر» یکی از مقدمات رسیدن به مقام پیشوایی شمرده است و انسان را در مقام قرب الهی تا جایی بالا می‌برد که شایستگی امامت بر مردم را پیدا می‌کند، که خود دلیلی آشکار بر ارزش والای صبر در راه خداست (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۳، ص ۳۰۱). بنی اسرائیل ویژگی‌های رفتاری بسیار ناپسندی داشتند. آنان قومی بهانه‌جو و لجوج بودند و به پیامبران خود نیز جسارت و بی‌ادبی می‌کردند. بی‌تردید یکی از عوامل مهم موفقیت حضرت موسی علیه‌السلام در امر هدایت و رهبری آنان، صبر و تحمل او بود. قرآن کریم نیز وی را به صبر در برابر مشکلات توصیه می‌کند:

فَاصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبُثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنْ نَّهَارٍ بَلَاغٌ فَعَلْ يَهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ (احقاف: ۳۵)

پس صبر کن، همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند؛ و برای آنان [در نزول عذاب] شتاب مکن؛ روزی که آنان آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، گویی فقط ساعتی از یک روز [در دنیا] درنگ داشتند. [این قرآن] ابلاغی است برای همه؛ پس آیا جز مردم نافرمان هلاک می‌شوند؟

۱-۶. رحمت و محبت در اداره امور

تصدی مسئولیت‌های مدیریتی مستلزم شایستگی‌های علمی و تخصصی است که به راحتی به دست نمی‌آید؛ بلکه با تمرین‌های سخت عینی و عملی و گذراندن دوره‌های مقدماتی کوتاه‌مدت و بلندمدت میسر می‌شود. در این دوره‌ها آموزش‌های رفتاری ارائه می‌شود تا فرد از ظرفیت وجودی‌ای برخوردار شود که بتواند فشارها و مشکلات

زیاد را تحمل کند و در اوج سختی‌ها آرامش خود را حفظ کرده، با مردم با نرمی رفتار کند یا در هنگامی که فرد به قدرت و امکاناتی دست می‌یابد، دچار تکبر و خودبرتربینی نشود. اشتغال انبیای الهی به چوپانی را می‌توان یکی از این آزمون‌های عملی به‌شمار آورد. فرد با اشتغال به این کار، بسیاری از رفتاری‌های اخلاقی را می‌آموزد و روحیه خودبرتربینی را از خود بیرون می‌کند و شیوه تعامل با مردم از روی رأفت و رحمت را می‌آموزد. روزی گوسفندی از گله حضرت موسی^ع فرار کرد و آن حضرت بدون هیچ ناراحتی آن گوسفند را با رأفت و رحمت مورد نوازش قرار داد. خداوند چون این شایستگی او را مشاهده کرد، فرمود: این برای پیامبری سزاوار است (عابدینی، ۱۳۹۹/۲/۶).

اداره امور بر اساس رحمت و محبت و مدارا جایگاه ویژه‌ای در پیشگاه الهی دارد. از همین رو خدای متعال رسول گرامی اسلام^ص را با این ویژگی توصیف کرده است که در اداره امور و هدایت مردم، از رحمت و محبت برخوردار است و آن حضرت را به گذشت و بخشش و طلب آموزش برای امت فرمان می‌دهد. پیامبر اکرم^ص به سبب رحمت الهی به چنان محبت و ملایمتی در مدیریت دست یافته بود که به راحتی توانست موانع اداره جامعه‌ای دچار تشتت و مشکلات فراوان را برطرف کند و زمینه‌های رشد و کمال آن جامعه را فراهم آورد. علاقه و محبت زمامدار، عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است. تا عامل محبت نباشد، رهبر نمی‌تواند یا بسیار دشوار است که بتواند اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونمند تربیت نماید؛ حتی اگر عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آن‌گاه قانونمند خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشاند (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۴، ص ۷۳-۷۴).

این ویژگی در سیره رهبری حضرت موسی^ع نیز وجود دارد. او در مدت زمانی که در دربار فرعون اداره امور را به عهده داشت، به گونه‌ای با مردم رفتار می‌کرد که بسیاری از افراد، شیفته و مرید او شدند. او از افراد ضعیف در برابر زورگویی‌های فرعونیان حمایت می‌کرد و این رفتار او به تدریج دامنه نفوذش را در بین مردم بیشتر می‌کرد. ایجاد شبکه ارتباطی در درون دستگاه اداری و رفت‌وآمد در شهر موجب می‌شد که این فرستاده الهی از نزدیک شاهد مسائل و مشکلات اقشار محروم و مستضعف باشد و برای رفع آنها تلاش کند. البته این رفتار وی موجب خشم و ناراحتی درباریان می‌شد؛ ولی از آنجاکه تعامل خوب وی با مردم موجب استحکام حاکمیت فرعون می‌شد، خشنودی او را به دنبال داشت و سعایت‌های اطرافیان برضد موسی^ع را بی‌اثر می‌کرد. تعامل خوب حضرت موسی^ع با مردم محبوبیت او را در بین اقشار مختلف گسترش داده بود؛ به گونه‌ای که افراد زیادی به وی ایمان آورده بودند و او را پناهگاه خود در برابر ظلم و ستم درباریان می‌یافتند (عابدینی، ۱۳۹۸/۱۲/۱۷).

همچنین آن حضرت هنگامی که خسته و گرسنه پس از طی مسافت طولانی به مدین رسید و با دختران حضرت شعیب^ع مواجه شد، بدون هیچ گونه چشمداشتی به آنان کمک کرد و گوسفندان آنان را سیراب کرد. این رفتار باعث شد که محبت وی در دل دختران شعیب^ع جای گیرد و به همین دلیل یکی از آنها به پدرش پیشنهاد کرد که وی را به استخدام درآورد (عابدینی، ۱۳۹۹/۱/۲۳). قرآن کریم در این زمینه می‌فرماید: «قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ» (قصص: ۲۶)؛ یکی از آن دو زن گفت: ای پدر! او را استخدام کن؛ زیرا بهترین کسی که استخدام می‌کنی، کسی است که نیرومند و امین باشد [و او دارای این صفات است].

۱-۷. ظلم‌ستیزی

مهم‌ترین علت مشکلات و ناهنجاری‌های جوامع بشری، وجود حاکمان جائر و باطل در رأس حکومت است و نجات مردم از چنگال آنان وظیفه‌ای الهی است. یکی از ویژگی‌های حضرت موسی علیه السلام ظلم‌ستیزی او بود. او با شجاعت تمام در برابر ظالمین می‌ایستاد و از ستم‌دیدگان حمایت می‌کرد. مداخله‌ی وی در نزاع بین یکی از درباریان و یکی از بنی‌اسرائیل که از یاران آن حضرت بود، منجر به قتل فرد درباری شد. فرعون و اطرافیانش با این رویداد یقین کردند کسی که می‌خواهد قیام کند و فرعون را از حکومت برکنار نماید، همین فرد است. به همین دلیل در طول ده سالی که حضرت موسی علیه السلام در مدین به‌سر می‌برد، آنان نگران بودند که او با لشکری به آنان حمله کند؛ از این‌رو برج‌های بلند درست کردند و برای حفظ شهر نیروهای زیادی را به کار گماردند. این در حالی بود که بنی‌اسرائیل از اینکه موسی علیه السلام توانسته بود از چنگ فرعونیان بگریزد، خوشحال بودند؛ چراکه او سال‌ها از آنان در برابر ستم درباریان حمایت می‌کرد (عابدینی، ۱۳۹۹/۱/۹).

۱-۸. تواضع

تواضع و فروتنی نقطه‌ی مقابل تکبر و فخر فروشی است؛ آن گونه‌که نکوهش از یکی، ملازم تمجید و ستایش از دیگری است. در روایات به آثار و ثمرات فراوانی برای تواضع اشاره شده است که محبت، نظم در کارها، قبولی عبادات و طاعات و... از آن جمله‌اند. تواضع، علاوه بر اثرگذاری در زندگی علمی و فرهنگی انسان، در زندگی اجتماعی او نیز تأثیرگذار است؛ چراکه افراد متواضع از محبوبیت فوق‌العاده‌ای در اجتماع بهره‌مندند و مردم برای آنها احترام خاصی قائل‌اند. قرآن یکی از صفات بارز مؤمنان را تواضع آنها دانسته است. امام علی علیه السلام در وصف متقین می‌فرمایند: «راه رفتن آنان متواضعانه است». در این سخن، راه رفتن متواضعانه شامل مشی به‌معنای وسیع آن می‌شود که تمام رفتارهای آنان را دربرمی‌گیرد. خدای سبحان به موسای کلیم علیه السلام گفت: تو را برای این انتخاب کردم که تو بعد از هر نمازی این‌طور سر به سجده می‌گذاشتی؛ بعد که از سجده بلند می‌شدی، دست به محل سجده می‌گذاشتی و به بدنت می‌کشیدی؛ و این حال خاکساری تو و این تواضع و عبودیت سبب انتخاب تو شد (عابدینی، ۱۳۹۹/۲/۱۳). امام صادق علیه السلام می‌فرماید: خداوند به موسی علیه السلام فرمود: آیا می‌دانی چرا تو را برگزیدم؟ زیرا خضوع و خشوع تو به درگاه من بی‌نظیر بود؛ هرگاه به نماز می‌ایستادی، گونه‌های خود را بر خاک می‌نهادی. در حدیث دیگری آمده است که خداوند فرمود: چون در میان بندگانم خود را در برابر من ذلیل‌تر می‌دانستی.

۱-۹. نیکوکاری

یکی از صفات بارز پیامبران، نیکوکاری به دوست و دشمن است و درحقیقت، آنها از مظاهر صفات رحمان و رحیم خداوند بودند و با هر فرد و جمعیتی به نیکویی و مهربانی رفتار می‌کردند. قرآن مجید بعد از اشاره به اسحاق و یعقوب علیهم السلام، دو فرزند برومندی که خداوند به ابراهیم علیه السلام در آخر عمر عنایت کرد، این صفت را برای بسیاری از پیامبران بزرگ بیان کرده است:

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ (انعام: ۸۴)؛

و اسحاق و یعقوب را به ابراهیم بخشیدیم [و] هریک را هدایت کردیم و [نیز] نوح را پیش از این هدایت نمودیم؛ و از فرزندان او داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم]؛ و این گونه نیکوکاران را پاداش می دهیم.

عبارت «وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ»؛ یعنی اینکه یکی از صفات بارز پیامبران الهی ویژگی احسان است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۶۵).

در نمودار شماره ۱ ویژگی های رفتاری حضرت موسی (ع) نشان داده شده است.

نمودار ۱: ویژگی های رفتاری حضرت موسی (ع)



نتیجه‌گیری

«رهبری» فرایند نفوذ بر زیردستان به‌منظور ترغیب آنان به پیروی از دستورها و انجام وظایف از روی شوق و میل باطنی است، نه اجبار برای دستیابی به اهداف. بدیهی است که این هدف هنگامی عملی می‌شود که رهبر از ویژگی‌ها و شایستگی‌های رفتاری برخوردار باشد تا بتواند در پیروان خود نفوذ کند. اگر این حقیقت جنبه عملی بیابد، می‌توان یقین حاصل کرد که به دلیل پیوند عمیق ایجادشده میان رهبر و پیروانش همه افراد تمام سعی خود را برای انجام منویات رهبر به‌کار خواهند گرفت و بدین ترتیب جامعه به اهداف از پیش تعیین‌شده دست خواهد یافت. در خصوص ویژگی‌های رفتاری‌ای که موجب شایستگی و صلاحیت رهبر برای هدایت جامعه به سمت پیشرفت و تعالی می‌شود، باید گفت که صاحب‌نظران رفتارگرا سبک‌های رفتاری گوناگونی را در این زمینه یادآور می‌شوند. آنان به این حقیقت اذعان دارند که برخی از این سبک‌های رفتاری، در نفوذ رهبر در بین زیردستان خود و موفقیتش اثربخش‌تر و کارآمدترند. در این تحقیق، موضوع از منظر آیات قرآن کریم و بر اساس ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی (ع) مورد بررسی قرار گرفت. بر اساس آنچه از مضامین آیات قرآن به‌دست آمد، ویژگی‌های رفتاری حضرت موسی (ع) که زمینه‌های موفقیت آن حضرت را ایجاد کرد و پیوند میان او و مردم را مستحکم ساخت، عبارت‌اند از: یکتاپرستی، قاطعیت در برابر تخلفات، وظیفه‌شناسی، تحمل سختی‌ها، صبر و مقاومت در برابر مشکلات، رحمت و محبت در اداره امور، تواضع و نیکوکاری.

منابع

- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). *غررالحکم و درر الکلم*. تحقیق و تصحیح: مهدی رجایی. قم: دار الکتب الاسلامی.
- چابکی، ام‌البنین و دیگران (۱۳۹۴). بازشناسی عوامل رهبری حضرت موسی علیه السلام با تأکید بر سوره طه. مدیریت/اسلامی، ۲۳(۱)، ۱۵۹-۱۸۱.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). *سیره نبوی: سیره مدیریت*. تهران: دریا.
- رضائیان، علی (۱۳۸۴). *مبانی مدیریت رفتار سازمانی*. تهران: سمت.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵). خصوصیات روحی و رفتاری پیامبران در راه تبلیغ. *مبلغان*، ۸(۸۱)، ۶۷-۶۱.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). *فرهنگ علوم رفتاری*. تهران: سپهر.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه*. تهران: فرهنگ اسلامی.
- عابدینی، محمدرضا (۱۳۹۸/۱۲/۱۷، ۱۳۹۹/۲/۱۳، ۱۳۹۹/۱/۹، ۱۳۹۹/۱/۲۳، ۱۳۹۹/۲/۶، ۱۳۹۹/۲/۲۷، ۱۳۹۹/۲/۳۰، ۱۳۹۹/۲/۳۰). *سیره تربیتی حضرت موسی علیه السلام برنامۀ سمت خدا*.
- قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶). *پیام قرآن*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مهدی‌پور، محمود (۱۳۹۰). به‌سوی وظیفه‌شناسی. *فرهنگ کوثر*، ۱۵(۸۶)، ۱۱-۳.